

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۹۵/۱۲۵ رده بندی کنگره: الف ۹۰۳/۷۸۵۵

تحلیل سیاست های پلیسی در پرتو رویکرد مدیریت گرای کیفری

دکتر راضیه قاسمی

استادیار گروه حقوق دانشگاه ازاد اسلامی واحد تیران

چکیده

پلیس مانند سایر نهادهای نظام عدالت کیفری، در دهه های اخیر با فقدان کارآیی و اثربخشی مواجهه شده است. این امر به نوبه خود منجر به کم رنگ شدن اعتماد عمومی و مشروعیت این نهاد در نزد افکار عمومی کشورهای مختلف شده است. بنابراین ضرورت اصلاح پلیس امری است که از دهه ۱۹۸۰ تحت لوای الگوی مدیریت گرای به رسمیت شناخته شده و سیاست ها، راهبرد ها و برنامه های پلیسی را متحول کرده است. اندیشه مدیریت گرای که بر مبنای مفاهیمی همچون مشتری مداری، مشارکت بخش خصوصی، ارزیابی عملکرد، مدیریت مشارکتی، صرفه جویی و ... استوار است به سیاست های پلیسی ایران نیز راه یافته است. هدف از این مقاله، تحلیل رویکرد مدیریت گرا در سازمان پلیس ایران با روش توصیفی-تحلیلی و از طریق جمع آوری اطلاعات به روش نمونه پژوهی است. نتایج این تحلیل حاکی از وجود جلوه های مدیریت گرای در پلیس ایران است. این جلوه ها دربردارنده کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در این سازمان، مشارکت بخش خصوصی در تأمین امنیت و پلیس های تخصصی است به علاوه، این رهیافت شاخص های موفقیت، چشم انداز مأموریت و اهداف، تجدید ساختار اداری پلیس و تدوین الگوی استاندارد ارزیابی و مدیریت عملکرد را مورد تأکید قرار می دهد.

واژگان کلیدی: مدیریت گرای، پلیس ایران، سیاست های پلیسی، مشارکت بخش خصوصی،

تخصصی شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات

بدون شک، نهاد پلیس نیز، به عنوان خط مقدم نظام عدالت کیفری، از مسایل ناشی از فقدان کارآیی و اثربخشی و عدم اعتماد عمومی در امان نبوده و در نتیجه، این نهاد نیز در معرض بسته اصلاحی مدیریت دولتی نوین، قرار گرفته است. ورود آموزه‌های مدیریت‌گرایی به سازمان پلیس، هر چند به لحاظ مقاومت ناشی از فرهنگ سازمانی پلیس، اندکی دیرتر از سایر حوزه‌های خدمات عمومی صورت گرفت لکن مدیریت‌گرایی به عنوان رهیافت غالب در اصلاح ساختار و عملکرد سازمان‌های عمومی، مورد اقبال سیاست‌گذاران این بخش قرار گرفت (اشبی و ایروینگ، ۲۰۰۷: ۱۶۰). خاستگاه این رویکرد مدیریتی کشور انگلیس است و بدون شک در بررسی بسترهای ظهور این رویکرد در سازمان پلیس نباید از تحولات خاستگاه آن غافل بود. تأکید بر سازوکارهای مدیریت دولتی نوین در پلیس، در حزب کارگر در سال‌های ۱۹۹۷، به دنبال گرایش در نشان دادن عملکرد بهتر نسبت به حزب محافظه کار صورت گرفت. انتقاد نسبت به تمرکزگرایی و فقدان ارتباط میان بخشی و مدیریت خرد بخش‌های پلیس، فقدان شاخصه‌های صریح و عملیاتی در ارزیابی عملکرد پلیس و... به نحو جدی در دستور کار حزب کارگر قرار گرفت (کلارک و مک لاگلین، ۲۰۰۰: ۱۶۹-۱۷۲). به این ترتیب پروژه باز تعریف شاخصه‌های عملکرد و اصلاح بالا به پایین بر مبنای الگوی مدیریت دولتی جدید، فعالیت‌های سازمان پلیس را سمت و سویی تازه بخشید. هر چند ادبیات دانشگاهی موجود، به صراحت ورود آموزه‌های مدیریت‌گرایی به پلیس را راه حل قطعی رفع مشکلات و مسایل موجود در این حوزه ندانسته است لکن گزارش‌های رسمی منتشره از سوی وزارت کشور انگلیس حاکی از بهبود و ارتقاء ارائه خدمات پلیس و پاسخگویی سازمانی و افزایش اثربخشی برنامه‌های این نهاد ارزیابی شده است (ایروینگ، ۲۰۰۶: ۱۸). به اعتقاد برخی از پژوهشگران این حوزه، مدیریت‌گرایی در پلیس، نه تنها شامل روش‌ها و سنجه‌های جدید است بلکه دارای جنبه‌های نمادین و فرهنگی قابل توجهی است. (کلارک و نیومن، ۱۹۹۷: ۹۳). پیامدهای مدیریت‌گرایی در سازمان پلیس، عمدتاً بر مفاهیمی همچون افزایش سرعت، افزایش اختیارات پلیس، هماهنگی درون بخشی، تخصص‌گرایی و خصوصی سازی تکیه دارد مضافاً تکیه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان بارزترین جلوه مدیریت‌گرایی در این نهاد، زیرساخت‌های آن را عمیقاً تحت تأثیر قرار

داده است. مقاله پیش رو سعی دارد بارز ترین جلوه های مدیریت گرایی در سیاست های پلیس را با تأکید بر برخی از سیاست های پلیسی ایران مورد مطالعه قرار دهد.

بخش اول: جلوه های مدیریت گرایی در سازمان پلیس

نمادهای مدیریت گرا در سازمان پلیس طیف متنوعی را در بر گرفته است. در واقع، نفوذ اندیشه های مدیریت دولتی نوین به این نهاد، محصول احساس نیاز به تحول در مسیر وظایف و اختیارات پلیس است. احساس نیازی که ناشی از تراکم پرونده های کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی و وقفه و انسداد سیستمی در این مرحله است. تحلیل سیاست های پلیسی حاکی از وجود جلوه هایی است که مستقیماً از آموزه ای مدیریت گرایی نشأت گرفته است. در گفتارهای ذیل اهم این جلوه ها با توجه به تجربه ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

بند اول: فناوری اطلاعات و ارتباطات در سازمان پلیس

فناوری های اطلاعات و ارتباطات، به عنوان فناوری غالب در هزاره جدید معرفی شده اند. این فناوری ها با سرعت بخشیدن به فرآیند مبادله اطلاعات و کاهش هزینه های داد و ستد، به ابزاری برای افزایش بهره وری، کارآیی و رشد در تمامی حیطه های فعالیت بشری تبدیل شده اند (رضایی، ۱۳۸۸: ۶۳). به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، بنیان های اداره امور عمومی و ارائه خدمات در بخش دولتی را دستخوش تحولات اساسی کرده است. آن گونه که به اعتقاد برخی از اندیشمندان این حوزه، فناوری سبب تحول در نظریه پردازی مدیریت دولت شده است (دانایی فرد، ۱۳۸۳: ۶۱). کاربرد فناوری در پلیس نه تنها یکی از شاخصه های توانمندی سازمان پلیس در ارائه خدمات و انجام وظایف قانونی در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی به شمار می رود بلکه بالاتر از آن، باز آفرینی نهاد پلیس در الگوی مدیریت گرا بدون توسل به فناوری اطلاعات و ارتباطات میسر نخواهد بود. ضرورت ارتقاء کیفیت خدمات، افزایش ظرفیت های موجود در پاسخگویی به شهروندان و سایر نهادهای کنترلی، افزایش سرعت و اجتناب از اطاله در اجرای وظایف قانونی، سیاست گذاران سازمان پلیس را در به کارگیری ابزارهای فناورانه بیش از پیش ترغیب کرده است تا آنجا که در دهه های اخیر مفهوم حفظ نظم و امنیت توسط پلیس پیوند ناگسستنی با به کارگیری فناوری های نوین یافته است. برخی از

کاربردهای فناوری که در اصلاح عملکرد پلیس نقش اساسی ایفا می‌کنند عبارتند از: اشتراک داده‌های میان ایستگاه‌های پلیس و سایر نهادهای نظام عدالت کیفری، نظام یکپارچه ثبت و مدیریت پرونده‌های مربوط به جرایم ثبت شده، مدیریت داده‌های فضایی، سیستم‌های بازنمایی اطلاعات جغرافیایی، مسیر یابی از طریق فناوری ردیابی (GPS) و..

آنچه در تحلیل نوزایی فناوریانه زیرساخت‌های پلیس در الگوی مدیریت گرایی باید مورد توجه قرار گیرد کاربست فناوری اطلاعات و ارتباطات در دو مقوله جداگانه در حدود وظایف و اختیارات پلیس است. بعد اول از کاربرد ابزاری فناوری‌های نوین در خدمات پلیسی به مقوله «کاربرد ICT در پیشگیری وضعی جرم توسط پلیس» از طریق شناسایی مناطق جرم خیز، مصون-سازی آماج‌های بالقوه جرم و کنترل موقعیت‌های دارای خطر جرم است. به کارگیری فن‌آوری دوربین‌های مدار بسته، نقشه برداری مناطق جرم خیز، به کارگیری نرم افزارهای تحلیل آماری، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، ردیاب‌های مخابراتی و ماهواره‌ای در راستای تأمین این هدف در سازمان پلیس کاربرد گسترده‌ای دارد (خانعلی پور واجارگاه و آقابابایی، ۱۳۸۹: ۲۲۳-۲۴۵). بعد دیگر از کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در پلیس، وظایف و اختیارات نیروهای پلیس در فرایند کیفری را تحت تأثیر قرار داده است. به این ترتیب، پلیس در راستای به جریان انداختن پرونده کیفری، ثبت شکایات، اجرای دستورات مقام قضایی در فرایند رسیدگی، سامان‌دهی ابلاغ اوراق قضایی از ابزار فن‌آوری سود می‌برد. در این حوزه عملکرد پلیس، تأکید بر ارتقاء ارائه خدمات به مراجعان واحدهای پلیسی، افزایش سرعت و بهره‌وری، صحت و دقت در اجرای دستورات مقامات قضایی در فرایند کیفری است. در واقع، فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزاری ضروری در اصلاح عملکرد پلیس در فرایند کیفری در همه نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده است. سازمان پلیس ایران نیز به مثابه یکی از مهمترین نهادهای نظام عدالت کیفری، در دهه اخیر، در معرض مهندسی مجدد ساختارها و زیرساخت‌ها در حوزه‌های فرآیندی و پیشگیری از جرم بر اساس دستاوردهای فناوریانه قرار گرفته است. افزایش نرخ جرم و به تبع، افزایش مراجعات مردمی به واحدهای انتظامی، تلاش برای بهبود اثربخشی و کارایی عملکرد پلیس و ارتقاء اعتماد عمومی به دستگاه پلیس، انگیزه‌های قوی و قابل توجهی را برای توسل به ابزارهای نوین در فرایند کیفری ایران ایجاد کرد.

شاید بتوان در میان سیاست‌های پلیس ایران در سال‌های اخیر، پلیس ۱۱۰ را به عنوان بارز ترین نماد کاربست فناوری ارتباطات و به کارگیری ابزارهای مخابراتی در ارتقاء خدمات به مراجعان دانست. بدون شک پلیس ۱۱۰، با فراهم کردن زمینه مناسب برای ارائه خدمات سریع و دسترسی آسان به واحدهای پلیس در اعلام جرم از نمادهای بارز مدیریت گرایي در سازمان پلیس محسوب می‌شود. هر چند برای این نهاد کار کردهای قابل توجه دیگری از قبیل مشارکت-محوری و افزایش احساس امنیت در بین شهروندان نیز برشمرده شده است (عبدی و جزینی، ۱۳۸۰: ۵۷-۵۵). علاوه بر آن، به کارگیری فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنتی در ساماندهی و ثبت مراجعات و شکایات شهروندان در راستای اجرای سیاست مدیریت پرونده قضایی در نظام عدالت کیفری ایران، از جلوه‌های دیگر این الگوی مدیریتی است. بدیهی است به کارگیری این خط مشی، پلیس را در تحقق اهداف چندگانه آن یاری می‌رساند. دسترسی به آمار در نظام های عدالت کیفری مدیریت گرا از ضرورت‌های غیرقابل انکار است. مختومه محوری، افزایش سرعت و صحت و ضرورت هماهنگی میان بخشی با به کارگیری ابزارهای فناورانه از قبیل رایانه، اینترنت، شبکه‌های مخابراتی در سازمان پلیس ایران دو چندان شده است. با این وجود، نمی‌توان مدعی بازآفرینی تمام جنبه‌ها و کارکردهای واحدهای پلیس در ایران بر مبنای فناوری اطلاعات و ارتباطات شد. نفوذ این بعد از مدیریت دولتی نوین در پلیس ایران هر چند در مواردی از قبیل ثبت شکایات ارجاع شده جهت انجام تحقیقات مقدماتی از طریق نظام یکپارچه مدیریت پرونده، استفاده از ابزارهای ارتباطی سریع و آسان در گزارش جرم و اعلام شکایت (پلیس ۱۱۰) و ... کاربرد وسیعی یافته لکن هنوز در فرهنگ سازمانی پلیس ایران منجر به بازتعریف ساختارهای بنیادین این نهاد بر مبنای نظریه منسجم و آزموده‌ای نگردیده است. اتکاء بر ظرفیت نیروی انسانی پلیس در فرآیند کیفری و در جریان دادن به شکایات کیفری تا اجرای حکم پیش از ابزارهای فناورانه در نظام عدالت کیفری ایران به وضوح قابل مشاهده است. نحوه تنظیم قواعد دادرسی کیفری در حوزه حدود وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری، پژوهش‌های به عمل آمده در حوزه سازمان پلیس و همچنین نحوه نگرش قضات و افکار عمومی ایران به نیروی پلیس به عنوان خط مقدم تأمین نظم و امنیت، تا حدود زیادی گویای ابتناء الگوهای نظری سازمان پلیس ایران بر نیروی انسانی به جای ابزارهای فناورانه است.

بند دوم: مشارکت بخش خصوصی با پلیس

خصوصی سازی به شیوه‌های کاهش نقش دولت و واگذاری آن به بخش خصوصی و پیروی از منطق بازار در تمام تصمیمات اقتصادی اطلاق می‌گردد (قورچیان، نادرقلی و غلامرضا حیدری کرد زنگنه، ۱۳۸۷: ۲۲۱). این رویکرد انحصار زدایی از مداخله دولت در خدمات عمومی و ورود بنگاه‌های بخش خصوصی و ایجاد رقابت را مد نظر دارد. بخش دولتی در این فضا، مجبور خواهد شد به ضوابط و نیروهای بازار واکنش نشان دهد. به طور کلی، بخش دولتی و بخش خصوصی در انجام خدمات مرتبط با بخش عمومی از قبیل آموزش، بهداشت و سلامت و نظام عدالت کیفری، از حیث مدیریت، اهداف، ساختار سازمانی، نیروی انسانی، ارتباط و نظام گزارش دهی و ماهیت و جایگاه کسب و کار با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند. در گفتمان مدیریت دولتی جدید، سازمان‌های دولتی به طور ذاتی، سودمند نیستند و باید از طریق واگذاری بخش زیادی از خدمات عمومی به بخش خصوصی و تبعیت از شیوه‌های بازار به سمت توسعه هدایت شوند (منوریان، ۱۳۸۰: ۴۸). توجیهات نظری در باب چرایی توسل به سازوکارهای خصوصی سازی در نظام عدالت کیفری به ویژه پلیس، بر مفاهیمی همچون کیفیت ارائه خدمات، سنجش ارزش - پولی، پاسخگویی عمومی، کارآیی و کارآمدی آیین‌های قانونی و توان بخش خصوصی در بهبود استانداردها و برون دادهاست. درگیر شدن شرکت‌های خصوصی در حوزه خدمات عمومی و نظام عدالت کیفری در کشورهای آمریکا و انگلیس به طور جدی و در قالب جنبش مدرنیزم در دستور کار قرار گرفت. علی رغم اجماع سیاست مداران و تصمیم سازان دولت، همواره انتقاداتی از سوی دانشگاهیان و رسانه‌ها در زمینه خصوصی سازی عدالت کیفری وجود داشت (بنسون، ۱۹۹۸: ۸-۱۲). اساس این انتقادات بر ماهیت دولتی امنیت و نظم در حکومت‌هاست. تجاری سازی امنیت در اندیشه منتقدان آن، به معنای قرار دادن این مفهوم اساسی در معرض معاملات سودآور و در نتیجه فاصله گرفتن آن از خاستگاهش، یعنی منافع عمومی، است. در این رویکرد، تأمین نظم و امنیت، از جمله اعمال حاکمیتی دولت است که متناسب با آن سازوکارهای کنترلی مناسب به منظور پاسخگویی دولت موجود و قابل دسترسی است حال آن‌که با واگذاری مقوله تأمین نظم و امنیت به بخش خصوصی، زمینه انحراف این

مفاهیم از بستر نظری و اقتضائات عملی آن به راحتی فراهم می گردد (بنسون، همان منبع: ۱-۲). در مقابل، رواج رقابت میان اجزاء بخش خصوصی به منظور بهره برداری بیشتر از قابلیت های اقتصادی و اجتماعی شرکت ها و افراد داوطلب این بخش در کاهش هزینه های تحمیلی به پرداخت کنندگان مالیات از یک سو و جلب اعتماد عمومی به دنبال بحران مشروعیت نهادهایی مانند پلیس از سوی دیگر بود. تا آن جا که مشارکت بخش خصوصی در اجرای وظایف پلیس در فرآیند کیفری در کشورهای مختلف دنیا به امری رایج و مقبول بدل شده است. ورود مفهوم «امنیت خصوصی» به گفتمان نظام عدالت کیفری، سرآغاز مشروعیت بخشی به مشارکت بخش خصوصی در فرآیند کیفری بود (فورست، ۲۰۰۰: ۳). پلیس خصوصی، قدمتی نزدیک به چهار دهه دارد. منابع موجود در این زمینه حکایت از پیشگامی آمریکا در واگذاری پلیس، امنیت بازداشتگاه ها و زندان ها به بخش خصوصی از دهه ۱۹۷۰ دارد. در سال ۱۹۷۲، کمتر از یک درصد از ایالات آمریکا خدمات پلیس را به بخش خصوصی واگذار کرده بودند. حال آن که تا دهه ۱۹۹۰ این روند سرعت چشمگیری به خود گرفت به گونه ای که امروزه اکثریت قریب به اتفاق خدمات پلیس از طریق واگذاری به بخش خصوصی صورت می گیرد. اقداماتی از قبیل حسابداری و امور مالی سازمان پلیس، راهداری و حفاظت راه های ارتباطی، پردازش اطلاعات مورد نیاز سازمان پلیس، اخذ جرایم مربوط به تخلفات راهنمایی و رانندگی، اخذ اثر انگشت از زندانیان، بررسی سوابق و سجل کیفری متقاضیان استخدام، هدایت ترافیک و ... به عهده پلیس خصوصی است بنابراین امروزه نهادهای دولتی در آمریکا از حیث وظایف مربوط به خدمات پلیسی در درجه دوم اهمیت قرار دارد (گیلبرت و اسکیچر، ۲۰۰۰: ۱۲-۱۵). در ایران، به کارگیری امکانات بخش خصوصی در افزایش ظرفیت نهادهای کیفری و به ویژه سازمان پلیس در «موسسات غیردولتی خدمات انتظامی (حفاظتی، مراقبتی)» خود را نمایان ساخته است. در راستای اجرای ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه مبنی بر مجوز تشکیل موسسات غیردولتی خدمات انتظامی (حفاظتی و مراقبتی)، وزیر وقت کشور و رئیس شورای عالی امنیت ملی، آیین نامه اجرایی ماده مذکور را تهیه و جهت سیر مراحل، تقدیم نمود. ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران اجازه واگذاری بخشی از خدمات انتظامی و حفاظتی را به موسسات غیردولتی با حفظ کنترل و نظارت دقیق پلیس و مدیریت بر نحوه فعالیتهای بخش غیردولتی داده است که در زمینه های مختلف از حضور شب گردان و نگهبانان

در محلات و مجتمع‌های مسکونی، تجاری و صنعتی تا طراحی، نصب و پشتیبانی سیستم‌های حفاظتی و واردات، تولید، توزیع و نصب سیستم‌های حفاظتی الکترونیکی هشداردهنده در کشور را ساماندهی نماید و این فعالیت‌ها را به عنوان یکی از اقدامات اساسی پلیس در پیشگیری از وقوع جرم در دستورکار قرار دهد (آیین نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موسسات خدمات انتظامی). حوزه عمومی همواره در برخورد با افزایش نرخ جرم به کاهش مشروعیت نیروی پلیس که در صف نخست کنترل و مبارزه با جرم قرار دارد تمایل دارد. در حال حاضر نزدیک به ۵۰۰ موسسه حفاظتی و مراقبتی با حدود ۳۲۰۰۰ نفر در ایران مشغول به کار هستند (<http://news.bazarekar.ir>). هر چند تاکنون پژوهش‌های جامعی در خصوص ارزیابی اثربخشی عملکرد این موسسات در نظام عدالت کیفری ایران صورت نگرفته است لکن پیش‌بینی و اجرای این سیاست در سازمان پلیس ایران، حاکی از پذیرش فضای رقابت در ارتقاء کیفیت ارائه خدمات و مشتری‌مداری در خدمات پلیسی است. موسسات مذکور به منظور به حداقل رساندن امکان حذف از چرخه رقابت، ملزم به ارائه خدمات بهتر با صرف هزینه‌های کمتر نسبت به رقبای خود هستند. اتخاذ این سیاست در نظام پلیسی ایران هر چند در سایه نظارت نیروی انتظامی به مثابه یک سازمان دولتی است لکن می‌تواند در بلندمدت در ارتقاء کیفیت خدمات پلیسی به شهروندان نقش به سزایی ایفا نماید. در واقع گنجاندن این موسسات در سیاست‌های پلیس ایران نشان از تغییر نگرش این سازمان و سیاست‌گذاران آن درباره ارائه خدمات پلیسی است. اعتماد به سازوکارهای بخش خصوصی و فراهم نمودن امکان مشارکت بخش خصوصی با پلیس دولتی در تحقق اهداف عالی پلیس، بدون شک از جلوه‌های مدیریت‌گرایی در فعالیت‌های پلیسی و از دستاوردهای پروژه اصلاحات ساختاری نظام عدالت کیفری در دهه‌های اخیر است.

بند سوم: تخصصی شدن پلیس

تفکیک و جداسازی واحدها در بخش دولتی بر مبنای تخصص‌گرایی از ویژگی‌های بارز مدیریت-گرایی در حوزه خدمات عمومی است. فلسفه تخصص‌گرایی و حرفه‌ای‌گری در نهادهای عمومی، کیفیت‌گرایی و همچنین افزایش بازده این نهادها از طریق تخصیص بودجه و منابع انسانی مناسب است. از سوی دیگر، اتلاف منابع، دوباره کاری و اطاله از طریق ارائه

خدمات از طریق نهادهای تخصصی تا حدود زیادی مرتفع می گردد. همچنین تجزیه واحدها به تجزیه بودجه و منابع مالی هر یک از واحدها منتهی می گردد. ایده پلیس تخصصی در نظام های پلیسی به دهه ۱۹۷۰ بازمی گردد. به کارگیری افسران پلیس آموزش دیده در واحدهای تخصصی از جمله جرایم خشونت بار باندهای مجرمانه، جرایم مواد مخدر، جرایم اقتصادی و جرایم رایانه - ای به دنبال گرایش به ارتقاء کیفیت خدمات و افزایش اثربخشی طرح های پلیسی و کاهش اتلاف منابع مالی، تخصیص بودجه و امکانات بر مبنای حدود صلاحیت واحدهای تخصصی در آن دوره در دستور کار سازمان های پلیس به ویژه در کشورهای انگلیس و آمریکا قرار گرفت (فورست، ۲۰۰۰: ۱۸). نمادهای تخصص گرایی در سازمان پلیسی ایران، به دنبال افزایش بهره - وری و اثربخشی اهداف و برنامه های پلیس به وضوح قابل مشاهده است. تنوع الگوهای جرم در سال های اخیر و به کارگیری ابزارهای مجرمانه بی شمار از یک سو و ضرورت واکنش سریع و متناسب با ماهیت جرم ارتكابی از سوی پلیس از سوی دیگر، تردیدی در کارکرد مثبت تخصص گرایی در سازمان پلیس از حیث نظری باقی نمی گذارد. تفکر تخصص گرایی در نهاد پلیس در واقع، تأمین کننده دو جنبه مهم در رویکردهای اصلاحی نظام عدالت کیفری است. بعد اول؛ تأمین اهداف عملگرایانه در تحقق اهداف سازمان پلیس است. به عبارت دیگر، تکیه بر دستاوردهای واحدهای تخصصی پلیس در هر دو حوزه مبارزه و پیشگیری از جرم و همچنین وظایف فرآیندی پلیس به عنوان ضابط دادگستری است. پلیس آموزش دیده و متخصص در افزایش کیفیت آراء کیفری صادره مستقیماً موثر است چرا که با واگذاری تحقیقات مقدماتی جرم به نیروهای متخصص، بسیاری از حقایق پرونده با قطعیت و اعتبار آشکار شده و قاضی کیفری را در صدور حکم صحیح و عادلانه یاری می رساند. بهسازی و افزایش بهره وری قضایی از طریق افزایش سرعت و دقت رسیدگی به دنبال تحقیقات صورت گرفته در واحدهای تخصصی، در افزایش بهره وری قضایی نقش به سزایی دارد. بعد دیگر از تخصص گرایی در نهاد پلیس، در واقع تأمین کننده خط مشی دانش محوری در سازمان پلیس است. به عبارت دیگر، توسل به افسران آموزش دیده و بعضاً دانشگاهی در پلیس مبارزه با جرایم سایبری، پلیس مبارزه با مواد مخدر، پلیس مبارزه با جرایم خشونت بار و ... سرآغازی برای بهره مندی نظام مند از دستاوردهای علمی در حوزه امنیت و نظم است. این پیوند، به نوبه خود، موجب به رسمیت شناختن رویکردهای تجربه محور و بهره بردن از نتایج پژوهش های علمی در برنامه های پلیس

توسط افسران و مدیران متخصص فراهم می‌کند. بنابراین در بعد نظری، کاربرست تخصص‌گرایی می‌تواند به تحکیم پایه‌های مدیریت دانش در سازمان پلیس و در نتیجه اثربخشی قابل توجه طرح‌های پلیسی بینجامد. کارکرد دیگر تخصص‌گرایی در سازمان پلیس، که در برون رفت از بحران مشروعیت این سازمان در دهه‌های اخیر، نقش چشمگیری دارد، ارتقاء اعتماد عمومی به قابلیت‌های این دستگاه در حفظ نظم و امنیت و تحقیقات مقدماتی جرایم است. در حقیقت، اختصاص واحدهای تخصصی در حوزه وظایف پلیسی، تا حدود زیادی در نگرش شهروندان درباره این نهاد موثر واقع می‌شود. سازوکارهایی از قبیل صلاحیت حرفه‌ای و تخصصی، سرعت عمل، ارتقاء افسران پلیس بر مبنای نظام شایسته‌سالاری در سازمان تخصصی و به کارگیری ظرفیت کامل مأموران پلیس حرفه‌ای زمینه‌های مناسبی برای افزایش اعتماد عمومی به عملکرد سازمان پلیس به حساب می‌آیند. بنابراین افزایش اثربخشی طرح‌های پلیسی، ارتقاء کیفیت خدمات ارائه شده به مراجعان، افزایش اعتماد عمومی به نهاد پلیس و در نهایت اصلاح فرهنگ سازمانی پلیس از دستاوردهای تخصص‌گرایی در این حوزه می‌باشد. بارزترین جلوه‌های تخصص‌گرایی در سازمان پلیس ایران در پلیس فتا، پلیس مبارزه با مواد مخدر، پلیس پیشگیری است. پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا)، که در واقع نماد بارز تخصص‌گرایی و رویکرد دانش‌محور در سازمان پلیس ایران است که با تجهیز به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیروی انسانی متخصص، به مقابله، پیشگیری و کشف جرایم در فضای سایبری می‌نماید. این واحد تخصصی پلیس در اسناد راهبردی پلیس ایران، به عنوان نیرویی دانش‌محور، قانون‌مدار، مبتنی بر علم و فناوری روز دنیا، انعطاف‌پذیر و دارای خلاقیت و نوآوری به رسمیت شناخته شده است (<http://www.cyberpolice.ir>). بدیهی است فضای گفتمانی حاکم بر ساختار و تشکیلات این واحد پلیسی، دقیقاً انعکاسی از رویکرد مدیریت‌گرایی کیفی است. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاران سازمان پلیس ایران با در نظر گرفتن ضرورت‌های انکارناپذیر عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیچیدگی الگوها و ماهیت جرایم حوزه‌های اجتماعی، آموزشی، اقتصادی، اخلاق عمومی و خدمات عمومی دریافتند که افزایش اثربخشی و کارایی سازمانی این نهاد جز با توسل به تخصص‌گرایی میسر نخواهد بود. جلوه دیگر رویکرد تخصصی به مداخله پلیس در جرایم تشکیل و راه‌اندازی ستاد مبارزه با مواد مخدر در سازمان پلیس ایران است. این ستاد در راستای اجرایی کردن ماده ۳۳ مصوبه مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص

مصلحت نظام و به منظور مقابله جدی با جرایم مرتبط با مواد مخدر تشکیل گردید. هر چند ستاد مواد مخدر، ستادی مرکب از مقامات اجرایی، سیاسی، نظامی و انتظامی است و نمی توان آن را یک نهاد پلیسی صرف به حساب آورد لکن، با توجه به حدود فلسفه تشکیل و سند راهبردی این ستاد در مبارزه با فراگیر و قاطع علیه تمام فعالیت ها و اقدامات غیر قانونی مرتبط با مواد مخدر، پلیس از ارکان اساسی این نهاد در زمینه کشف، پیشگیری و تحقیقات مقدماتی این قبیل جرایم به شمار می رود (دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۹). در واقع تقویت و تجهیز و توسعه یگان ها و مکانیزه کردن سامانه های کنترلی و تمرکز اطلاعات به منظور کنترل مرزها و مبادی ورودی کشور و پیشگیری از جرایم مواد مخدر و وران گردان در واحدهای تخصصی پلیس ایران از جلوه های رویکرد حرفه ای به مداخلات انتظامی در حوزه جرایم مواد مخدر است. هدفمند کردن مناسبات، مشارکت فعال در تصمیم سازی ها و اقدامات مربوط به بهره برداری از تجارب و امکانات فنی و حرفه ای و همچنین توسعه مطالعات و پژوهش های بنیادین و کاربردی در پیشگیری و مقابله با این دسته از جرایم در سازمان پلیس به ویژه در دهه اخیر نشان از پذیرش و کاربرد رهیافت تخصص گرایی در پلیس در حوزه مواد مخدر است. در نهایت اشاره به پلیس پیشگیری در سازمان پلیس ایران به عنوان نماد تخصصی شدن مداخلات پیشگیری انتظامی در ساختار پلیس ایران ضروری به نظر می آید. پیشگیری انتظامی از جرم، که عموماً ناظر بر به کارگیری استراتژی ها و طرح های پلیسی در پیشگیری از جرم است، از زمان تأسیس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار این مرجع بوده است.^۱ لکن نرخ بالای جرم در سال های اخیر، افزایش ترس از جرم و احساس ناامنی در میان شهروندان، تغییر و تنوع الگوهای ارتکاب جرم و ... ضرورت رویکرد تخصصی به پیشگیری از جرم در پلیس ایران را مطرح ساخت. در واقع تدوین راهبردهای درون سازمانی به منظور شکل گیری واحد تخصصی برای پیشگیری از جرم تحت عنوان پلیس پیشگیری در ایران منشاء این تحول بود. تمرکز زدایی از اقدامات پیشگیرانه، ارتقاء آموزش و آگاه سازی کارکنان این بخش، تدوین اخلاق حرفه ای پلیس پیشگیری، تقویت نظارت سازمان به منظور کسب اعتماد عمومی در دستور کار این واحد تخصصی قرار گرفت. توسل به راهبردهای جامعه محوری، حل مسأله، نفی مدارا، تمرکز بر

مناطق جرم خیز، به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش اعتماد در پلیس پیشگیری، تأکید بر تخصص گرایی در این نهاد پلیسی است (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۳۷۹-۳۸۸).

بخش دوم: تحلیل اصلاحات مدیریت گرا در سازمان پلیس ایران

در گفتمان اصلاح نهادهای نظام عدالت کیفری، به همان اندازه که رویکرد مدیریت گرایی، درمانی برای معضلات این ساختار محسوب می‌شود، به اعتقاد برخی، گرفتاری‌های جدید و پیامدهای ناخواسته برای پلیس به ارمغان آورده است (لودر و مالکتی، ۲۰۰۳). به اعتقاد منتقدان، شبیه سازی سازمان پلیس به بنگاه‌های خصوصی و تجاری و پیاده سازی اصول حاکم بر بازار بر این عرصه، به پیکره پلیس به مثابه نهاد حفظ نظم و امنیت آسیب برساند. مفاهیمی از قبیل «اقتدار» و «مشروعیت» و «پاسخگویی» در پلیس، با توجه به اهداف و برنامه‌های منحصر به فرد این تشکیلات در تلفیق با مفاهیمی از جمله مدیریت کیفیت، مدیریت عملکرد، مشتری مداری و ... کارکرد خود را از دست می‌دهند (فیگان و تیلور، ۲۰۰۴: ۵۷-۶۱). به اعتقاد برخی از پژوهشگران مشروعیت پلیس، ارزشی است که از ارزیابی عملکرد و مدیریت کیفیت در بخش خصوصی متمایز است. به عبارت دیگر، مشروعیت پلیس فقط یا بهبود عملکرد خروجی یا با ساخت سازمان کسب و کار بازگشت پذیر نیست (سانچمن، ۱۹۹۵) بلکه اعتماد عمومی و اثربخشی طرح‌ها و برنامه‌های پلیس در عرصه پیشگیری و مقابله با جرم و کاهش ترس از جرم، تا حدود زیادی از تحلیل‌های اقتصادی و مدیریتی فاصله دارد. به عنوان نمونه، بنابر اعتقاد برخی از منتقدان رویکرد مدیریت گرایی پلیس در اروپا، هیچ پشتیبان تجربی وجود ندارد که مدیریت گرایی علاجی بر بحران مشروعیت و فقدان کارآمدی پلیس باشد (مک لاگلین، ۲۰۰۱). رویکرد انتقادی در خصوص اصلاحات مدیریت گرایی در سازمان پلیس، بر چالش‌های دیگری از قبیل مقاومت فرهنگ سازمانی، چالش فقدان رویکرد بومی مناسب در سیاست‌های موجود و تعارض این گفتمان با مفاهیمی مانند پلیس جامعه محور و ارزش‌های حقوق بشری اشاره دارند (اشبی و ایروینگ، ۲۰۰۶: ۱۶۴). در واقع، نگرش منتقدان ابعاد مختلف از این شیوه مدیریتی در پلیس را نشانه رفته است. از سوی دیگر، اصلاحات پیشنهادی مدیریت دولتی جدید در عرصه پلیس، طرفداران جدی نیز دارد که این طرفداران، عمدتاً از سوی عملگرایان و دولتمردان و سیاست‌گذارانی هستند که این رویکرد را راه حل فوری برای به دست آوردن نتایج مطلوب اثربخش و

کارآآ تلقی می کنند. به اعتقاد این دسته از اندیشمندان، مدیریت دولتی جدید، در سایر بخش های خدمات عمومی از قبیل سلامت و بهداشت و درمان و آموزش، دستاوردهای قابل توجهی در افزایش اثربخشی و صرفه جویی داشته و می تواند در رفع معضلات پلیس به عنوان نهاد متولی حفظ نظم و امنیت به کار آید. به هر تقدیر، علی رغم وجود مواضع انتقادی درخصوص این راهبرد اصلاحی، نهاد پلیس در کشورهای جهان دستخوش تحولات همه جانبه شعار «افزایش اثربخشی، کارآیی و صرفه جویی» شده اند. اصلاحات مدیریتی پلیس در ایران، به ویژه در دهه اخیر، زیرساخت های اداری، مأموریت های پلیس، نحوه تعامل وی با مراجعان و گفتمان مدیران، فرماندهان و افسران پلیس را تحت تأثیر قرار داده و بدان سمت و سویی تازه بخشیده. همان گونه که در بخش های قبل اشاره شد، به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه، موجب تجدید ساختاری پلیس ایران گردیده است. اما پرسش اساسی در تحلیل رهیافت اصلاحی در سیاست های پلیس ایران این است که آیا مدیریت گرایی در سازمان پلیس ایران، علی رغم وجود جلوه ها و نمادهای قابل توجه، راه حل مناسب برای مسایل موجود است و می توان ادعا نمود که با تغییر نگرش در زیرساخت های پلیسی با پیروی از الگوهای کشورهای توسعه یافته و سیاست-گذاری های مدیریت گرایانه، فعالیت های این نهاد را به سوی اثربخشی و کارآیی و ارتقاء مشروعیت و اعتماد عمومی سوق داد؟ نگارنده، در پاسخ به این سوال، با تحلیل مبانی نظری و زمینه ها و ضرورت های پیش رو در اصلاحات سازمان پلیس بر اساس مدیریت گرایی درصدد پاسخ به این پرسش برمی آید.

۱- بازتعریف شاخص های موفقیت، چشم انداز مأموریت و اهداف

بر همین اساس، تلاش می شود مفاهیم پیچیده و چند بعدی مرتبط با فعالیت پلیس که در ادبیات پلیسی گذشته، مفاهیمی انتزاعی، ارزشی و غیر کمی بودند به اقتضای مبانی و اصول حاکم بر رهیافت مدیریت گرایی به مفاهیمی عملیاتی و کمی بدل گردند. با این وصف، فرایند تبدیل شاخص های غیر کمی پلیس به شاخص های کمی و عملیاتی، از مراحل دشوار و حساس در کاربست مدیریت گرایی کیفی در این حوزه است. مفاهیمی از قبیل عدالت-محوری، جامعه-محوری، صیانت از حقوق شهروندان، تأمین نظم و امنیت به عنوان چشم اندازها و اهداف سازمان پلیس، ضرورتاً باید در قالبی قابل اندازه گیری و سنجش و متناسب با رویکرد اصلاحی ارائه

گردند. نتیجه دیگر بازتعریف شاخص‌ها، حاکم نمودن گفتمان مدیریت گرایی، نه فقط در سطح نمادین بلکه در سطح ماهوی آن و بالتبع تغییر فرهنگ سازمانی پلیس و ایجاد نگرش مثبت نسبت به اصلاح سازمان پلیس است. میزان پذیرش ارزش‌های مدیریت گرایی از قبیل انگیزه برای ارتقاء کیفیت ارائه خدمات پلیسی، صرفه جویی و جلوگیری از اطاله زمان در پردازش پرونده‌های کیفری در اثربخشی این الگو در پلیس اهمیت زیادی دارد. مقاومت مدیران و فرماندهان و افسران پلیس در مقابل اصلاحات ساختاری چالش قابل توجهی در مقابل مدیریت گرایی کیفری ایجاد می‌کند.

۲- تجدید ساختار اداری و مهندسی مجدد سازمان پلیس

بخشی از این تجدید ساختار به کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات و بخش دیگر بر حذف الگوی بوروکراسی^۱ در اداره سازمان پلیس بازمی‌گردد. این تجدید ساختار به توانمندسازی نیروی انسانی و افزایش ظرفیت‌های آن منجر می‌شود. فاصله گرفتن از الگوی بوروکراسی در پلیس به منزله نظام سلسله مراتب اداری در جریان یافتن پرونده کیفری و ساماندهی به شکایات واصله است. آیین‌های طولانی و غیر ضروری، تشریفات زاید و اتلاف در منابع و دوباره کاری از توالی فاسد کاربست بوروکراسی در ساختار پلیس و در نتیجه فاصله گرفتن آن از بهسازی و بهره‌وری مورد انتظار است. در منابع موجود بهره‌وری نیروی پلیس از طریق کمیت عملکرد این نهاد در طول واحد زمانی مشخص به دست می‌آید. بدیهی است حذف تشریفات بوروکراتیک و کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه تحقق این امر را فراهم می‌کند (بری، ۲۰۱۰: ۳۴).

^۱ مفهوم بوروکراسی در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی از قبیل جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت و غیره به نحو متفاوتی تفسیر شده است. از نظر وبر، بوروکراسی نوعی طرح سازمانی ایده‌آل است که اختیار قانونی، نظم سلسله‌مراتبی، عمل بر اساس بایگانی‌ها، جدایی کار از زندگی شخصی، آموزش تخصصی، استخدام کارکنان تمام وقت و پیروی از قوانین را در بر می‌گیرد. اما امروزه بوروکراسی به عنوان یک بیماری سازمانی ادراک می‌شود و کاغذبازی بی حصر را به ذهن متبادر می‌سازد. به عنوان مثال همانطور که گیدنز گزارش کرده، دوگونی از این مفهوم برای تشریح ویژگی‌های افرادی استفاده کرد که در قالب کارگزاران حکومت در معرض ابتلاء به نوعی بیماری بودند که وی به آن عنوان «جنون اداری» داده بود. برای مطالعه بیشتر ر.ک. پاشا، ابراهیم، مروری نقدمایه از منظر جامعه‌شناسی بر ادبیات بوروکراسی، نشریه علوم اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۱۳ و ۱۴

۳- تدوین الگوی استاندارد در ارزیابی و مدیریت عملکرد سازمان پلیس

سازمان پلیس به مثابه یکی از پیچیده‌ترین نهادهای نظام عدالت کیفری، با مأموریت‌ها، راهبردها و ذی‌نفعان منحصر به فرد در میان سازمان‌های دولتی، به منظور ارتقاء و بهبود عملکرد خود نیازمند الگویی منسجم و عملی برای مدیریت عملکرد است. علی‌رغم آن که مدیریت عملکرد در دهه‌های اخیر به مسأله‌ای اساسی در مدیریت سازمان‌های دولتی بدل شده است و حجم معتناهی از الگوهای نظری را به خود اختصاص داده است لکن ادبیات جامع و سازگار با ساختار خاص این نهاد در میان منابع به چشم نمی‌خورد. سنجش عملکرد عنصری ضروری از مدیریت عملکرد است. یعنی رصدی که نشان می‌دهد تغییر در کجا نیاز است و چه چیزی رفتارهای مورد انتظار را ایجاد می‌کند. سنجش عملکرد مربوط به گذشته است ولی مدیریت عملکرد از تعمیم داده‌ها برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره آینده حکایت دارد. بنابراین این دو مفهوم، موجودیت‌های متفاوتی هستند (یاوری و زاهدی، ۱۳۹۲: ۸۳) در نهاد پلیس نیز علی‌رغم تمرکز پژوهشی بیشتر بر سنجش عملکرد، مدیریت عملکرد به عنوان هسته مرکزی مدیریت این حوزه بدل شده است. در واقع، مدیریت عملکرد در این بخش به منظور ظرفیت‌سازی در نظام عدالت کیفری برای بهبود و تغییر پایدار صورت می‌گیرد. مدیریت عملکرد در سازمان پلیس اهداف کوتاه مدت و بلند مدتی را دنبال می‌کند. بهسازی نیروی انسانی، ایجاد ارتباط بین نهادی موثر در پردازش سریع و کارآمد پرونده‌های کیفری، تعیین دقیق بازدهی، اثربخشی و کارآیی، برنامه ریزی معقول و عملی درباره منابع انسانی و منابع مالی موجود از جمله اهدافی است که در گفتمان مدیریت عملکرد پلیس مطرح شده است. طراحی دقیق الگوی مدیریت عملکرد در سازمان پلیس ایران، با توجه به ابعاد و معیارهای عملکرد، سنجش عملکرد و اصلاح و بهبود عملکرد امکانپذیر است. لذا تمرکز بر این رکن اساسی مدیریت گرایي در سازمان پلیس در کارآیی و رفع مشکلات موجود ضرورتی انکارناپذیر است. از ضرورت‌های مورد اشاره می‌توان دریافت که اصلاح سازمان پلیس مانند هر ساختار دولتی دیگر، نیازمند زمینه‌ها و بسترهای نظری و عملی متناسب است. فقدان زیرساخت‌های یاد شده منتهی به اصلاح ناقص، نامناسب و نمادین این تشکیلات می‌گردد و نه تنها نمی‌توان به اصلاح آن امیدوار بود بلکه باید در انتظار پیامدها و چالش‌های نامطلوب بود. نظامند نبودن فرآیند اصلاح نظام پلیسی بر مبنای الگوی

مدیریت گرا و عدم پذیرش اقتضائات ضروری آن، ضمن پیاده سازی نمادین برخی از جلوه‌های این الگو، موجبات ورود آسیب‌های جدید به این ساختار را فراهم می‌کند.

نتیجه گیری

نهاد پلیس در نظام‌های عدالت کیفری، خواه نا خواه، دستخوش نفوذ الگوهای مدیریت دولتی نوین قرار دارد. خاستگاه این خط مشی، کشورهای توسعه یافته و بستر ظهور آن تحولات سیاسی و اقتصادی پیچیده دولت‌های محافظه کار در این کشورهاست. انتقال خط مشی مدیریت گرایی به نهادهای عدالت کیفری سایر کشورها در قالب جلوه‌های متعددی نمایان شده است. به کارگیری دست آوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، الگوهای مدیریت کیفیت، ارزیابی و مدیریت عملکرد و خصوصی سازی و... زیر بنای هر یک از این نمادها را تشکیل می‌دهد. درس آموزی سازمان پلیس از سازوکارهای اصلاحی مدیریت گرایی مستلزم رویکردی نظریه مند، نظام مند و بومی است. به عبارت دیگر، صرف توسل به نمادهایی مانند پلیس خصوصی، پلیس تخصصی و ارزش‌هایی مانند مشتری مداری نمی‌تواند سازمان پلیس را به اثربخشی و کارآیی مورد انتظار برساند. سیاست‌های پلیسی ایران در دو دهه اخیر، آشکارا پذیرای رویکردهای اصلاحی مدیریت گرایی بوده است. سازوکارهای فناورانه در سازمان پلیس، مشارکت با بخش خصوصی و تأسیس واحدهای تخصصی و دانش محور جلوه‌های بارز مدیریت گرایی است. لکن باید توجه داشت کارآیی این تلاش‌های اصلاحی مستلزم فراهم نمودن بسترها و زمینه‌های آن است. تجدید ساختاری پلیس، تغییر متناسب در فرهنگ سازمانی پلیس، طراحی نظام ارزیابی و مدیریت عملکرد و فاصله گرفتن از بوروکراسی سازمانی از ضرورت‌های اصلی است که تصمیم سازان این حوزه در سیاست گذاری‌های بنیادین خود ملزم به لحاظ آن هستند.

الف. منابع فارسی

- پاشا، ابراهیم، مروری نقدمایه از منظر جامعه شناسی بر ادبیات بوروکراسی، نشریه علوم اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۱۳ و ۱۴.
- خانعلی پور واجارگاه، سکینه؛ آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، مدیریت جرم شناختی خطر جرم از منظر فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانش انتظامی، شماره ۴۷.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۳)، الزامات عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات: نظریه پردازی در مدیریت دولتی، دانش مدیریت، شماره ۶۴.
- دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۹)، رشد شاخص های کمی و کیفی مبارزه با مواد مخدر، دفتر برنامه ریزی و فناوری اطلاعات اقتصاد، شماره ۳۷۱.
- عبدی، توحید؛ جزینی، علیرضا (۱۳۸۰)، تحلیلی بر پلیس مردمی و حرفه ای، دانش انتظامی، شماره ۸.
- قورچیان، نادر قلی؛ غلامرضا حیدری کرد زنگنه (۱۳۸۷)، ارائه مدلی جهت ارتقاء و توسعه خصوصی سازی در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۰.
- لک، بهزاد؛ جوادیان، رضا (۱۳۹۰)، توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، شماره ۱۹.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷)، امنیت انسانی، پلیس و پیشگیری از جرم، مجموعه مقاله های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- منوریان، عباس (۱۳۸۰) خصوصی سازی، رویکرد تطبیقی، فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۵۳ و ۵۴.

- وین بنت؛ کارن ام هس (۱۳۸۱)، مدیریت پلیس و توسعه بهره وری واحدهای انتظامی، ترجمه اکبر استرکی و تورج ریحانی، دانش انتظامی، شماره ۱۳ و ۱۴.
- یاوری، وحید؛ زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۲)، طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱.

ب. منابع انگلیسی

۱. Ashby, I David, Barrie, L Irving (2007), Police Reform and the New Public Management Paradigm: matching technology to the rhetoric, Government and Policy, Vol.25.
۲. Benson, Bruce L. (1998), To serve and protect: Privatization and community in criminal justice. New York: New York University Press.
۳. Clarke, J. and Newman, J. (1997) The Managerial State: Power, Politics and Ideology in the Remaking of Social Welfare, Sage Publication Ltd, London.
۴. Clarke, John, Eugene McLaughlin (2000), New Managerialism, New Welfare? Sage Publication Ltd, London. Criminal Justice, 1(3).
۵. Fagan, J. and Tyler, T. (2004). "Policing, order maintenance and legitimacy", in Mes'ko, G., Pagon, M. and Dobov's'ek, B. (Eds), Dilemmas of Contemporary Criminal Justice, Faculty of Criminal Justice, University of Maribor.
۶. Forst, Brain (2000), The Privatization and Civilization of Policing, Criminal Justice, Vol.2.
۷. Freiberg, Arie (2005), Managerialism in Australian Criminal Justice: RIP for KIDs? 31

۸. Hood, C (1991), Public Management for all seasons, Public Administration, vol. 69.
۹. Irving B (2004) Police Reform ProjectöInterim Report Commentary unpublished response to a Home Office preWhite Paper consultation exercise; available from the author on request.
۱۰. Loader, I. and Mulcahy, A. (2003). Policing and the Condition of England: Memory, Politics, and Culture, Oxford University Press, Oxford.
۱۱. McLaughlin, E. (1994) Community, Policing and Accountability. Aldershot
۱۲. McLaughlin, E., Muncie, J. and Hughes, G. (2001) The permanent revolution: New Labour, public management and the modernisation of criminal justice, Mesˇko, G., Pagon, M. and Dobovˇek, B. (Eds), Dilemmas of Contemporary
۱۳. Schichor, David, Gilbert, Micheal (2000), Privatization of Criminal Justice System: Past, Present, Future, Anderson Publication Co.
۱۴. Suchman, M.C. (1995). "Managing legitimacy: strategic and institutional approaches", *The Academy of Management Review*, 20(3).



پژوهش های حقوقی

Academia.edu
California San Francisco

TPBIN.com
Sponsored And Indexed

CiteFactor

مجموعه های ایران
Symposia

REF.IR

Directory of Research Journals Indexing

DRJI

Sponsored and indexed by CIVILICA
We Respect the Science

CONF PAPER

ESJI
European Scientific Journal
www.Esjiindex.org

WORLD OF JOURNALS

بهمایش

Bahamayah.com

پنجمین مجمع علمی

بهمایش های کشور

science alert

easyPapers
Scientific Research Services

QOXP

INDEX COPERNICUS
INTERNATIONAL

کنفرانس یاب

www.conferenceyab.ir

جهت

تقویت رزومه

SID

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب،

خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲

واحد پذیرش مقالات:

۰۲۱ - ۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶

واحد صدور گواهی نامه:

۰۲۱ - ۴۴۴۴۱۷۶۴ و ۸۴

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ و ۰۹۱۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir
(دانشگاه بین المللی رهنورد / بلخ / افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals / ورشو / لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor / فینیکس / آریزونا)
برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورها و همایش:

داوری زود هنگام مقالات

استان تهران - موسسه قانون یار

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا
حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ۵۵ مقاله برتر و برگزیده همایش، ۵۵ تقدیب به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد.
به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد.
تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند.
داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.

همایش مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی - موسسه قانون یار - دانشگاه رهنورد (افغانستان) - جهاد دانشگاهی - سال ۱۴۰۰